

نامه جرج کامرون به سنا برای توسعه بیستون

فاطمه هاشمی

جرج گلن کامرون، ایران‌شناس برجسته آمریکایی و یکی از بزرگترین صاحب‌نظران تاریخ ایران باستان در سال ۱۹۰۵ به دنیا آمد. او تحصیلات خود را در دانشگاه شیکاگو به پایان رساند و در سال ۱۹۴۸ استاد تمدن‌های شرق و رئیس کرسی شرق‌شناسی دانشگاه میشیگان شد. کامرون در فاصله سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۸ سردبیر مجله تبعات شرق نزدیک بود. این دانشمند برجسته خدمات ارزنده‌ای به تاریخ و فرهنگ ایران کرد و شاید بی دلیل نباشد که برخی او را یکی از بزرگترین کارشناسان ایران باستان به ویژه در حوزه تاریخ ایلام می‌دانند. هنگامی که ارنست هرتسفلد در دوره رضاشاه برای تحقیق و کشف آثار باستانی به ایران آمد، در کاوش‌هایی که در سال ۱۳۱۲ خ در تخت جمشید انجام داد، به لوحه‌های گلی برخورد کرد که کسی موفق به خواندن نگردید. این مجموعه شامل سی هزار لوحه می‌شد که اطلاعات ذی‌قیمتی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی، سیستم اداری و حسابداری دوره هخامنشیان به زبان ایلامی و آکدی بازگو می‌کرد. این اثر در سال ۱۹۴۸ م ۱۳۲۷ خ به عنوان امانت برای مدت سه سال به دانشگاه میشیگان فرستاده شد که در آنجا کامرون که متخصص این دو زبان بود، بر روی آنها تحقیقاتی انجام داد. او موفق به رمزگشایی نوشته لوحه‌های مکشوفه گردید و نتیجه تحقیقات خود را در مجله الواح گلی تخت جمشید منتشر کرد. البته اهمیت کار کامرون به خاطر رمزگشایی زبان فارسی باستان و ایلامی و آکدی بود.

خدمت دیگر کامرون به تاریخ و فرهنگ ایران بازخوانی کتیبه باستانی بیستون است. کتیبه بیستون یا بغستانه در دل کوه‌های مسیر جاده همدان به کرمانشاه قرار دارد. نام بیستون همواره یادآور داستان دلدادگی خسرو و فرهاد به شیرین بوده و عموماً از جنبه ادبی مورد توجه قرار گرفته است. اما این نکته را نباید فراموش کرد که در کنار این داستان کهن ایرانی کتیبه داریوش بزرگ، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ امپراتوری هخامنشی در اختیار قرار می‌دهد. نخستین بار ارنست راولینسون، ایران‌شناس انگلیسی در سال

۱۸۳۵/۱۲۱۴ م از کتیبه‌های بیستون نسخه‌برداری کرد. هر چند این اقدام کمک زیادی به رمزگشایی خطوط باستانی کرد، اما ناقص بود و هنوز محققان درباره این کتیبه‌ها به نتایج قطعی دست نیافته بودند. بنابراین لازم بود که بار دیگر آنها را مورد باز خوانی قرار دهند؛ هر چند کارهایی صورت گرفت اما کار جدی را کامرون انجام داد. در سال ۱۹۴۸ او برای انجام یک ماموریت تحقیقاتی که دانشگاه میشیگان به او داده بود، وارد ایران شد.

هرچند از نسخه‌برداری راولینسون یک قرن می‌گذشت و کتیبه آسیب فراوان دیده بود، اما کامرون موفق شد که با عکس‌برداری و کلیشه‌برداری با استفاده از کائوچو مایع، نسخه دقیقی از کتیبه فراهم کند و نقایص راولینسون را برطرف نماید؛ حاصل کار او، انتشار سه مقاله درباره زبان و دستور پارسی بود. متن ایلامی کتیبه را او در سال ۱۹۶۰ متن زبان اکدی را که او خوانده بود، یکی از شاگردانش منتشر کرد.

با توجه به اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۴۴، یک بار دیگر نام کامرون برای تصمیم‌گیری درباره بیستون به میان آمد. در این سال دولت تصمیم گرفت که در منطقه بیستون یک کارخانه قند تأسیس کند که این امر دوستداران آثار باستانی را نگران آینده کتیبه کرد؛ به همین علت آنها از کامرون که چهره سرشناس باستانشناسی بود، دعوت کردند تا به عنوان یک کارشناس نظر خود را در این زمینه اعلام کند. در مسافرتی که به همین منظور به بیستون داشت، نتیجه تحقیقات خود را درباره احداث کارخانه اعلام کرد. او در نامه‌اش نه تنها تأسیس کارخانه را برای آثار باستانی زیان‌بخش تشخیص نداد، بلکه آن را گامی مثبت برای توسعه و کمک به وضعیت اقتصادی مردم فقیر منطقه ارزیابی کرد. او برای اجرای بهتر برنامه، ضمن ارائه پیشنهادهایی که قابل اجرا بود، نقشه‌ای طراحی و ضمیمه نامه خود کرد. در این نقشه هم وضعیت اقتصادی-صنعتی منطقه و هم طبیعت آن مورد توجه قرار گرفته است. در واقع هدف اصلی او برداشتن گام‌های جدی برای فراهم آوردن زمینه جذب سیاحان داخلی و خارجی بود. (دوره ۴سنا، کارتن ۱۱۹۹، جزوه‌دان ۴۰۵، پوشه ۱۷، برگ ۲-۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرکت سهامی قدکرهاشاه

جناب آقای حسین علاء وزیر دربار

تهران - ایران

عالیجناب

بیکار دیگر برای شخص اینجانب تحقیقات من در تاریخ و باستان شناسی ثابت شد که ایران کشوری است جالب توجه ارجمند و در حقیقت شکفت انگیز. بیکار دیگر مردم این کشور از کارگران متواضع تا دانشمند ترین افراد آن مقامات - کشوری و رجال و محترمین و بالا تر از همه دوستان طایفه به هد فها و مقاصد من بهترین تفاهم را ابراز نمود موصحان نواری غیر قابل وصف و سخاوتمند پائینی را در حق اینجانب معمول داشته اند. با این ترتیب ایرانیان فصل دیگری یافته که اینجانب خواستار برشته تحریر رأوم اضافه نموده اند آنچه که محتسوی فصل مورد نظر اینجانب را تشکیل میدهد بخت دربار شکو و عظمت ایران باستان است لکن فصلی را که ایرانیان با آن اضافه نمودند نشان میدهد که این عظمت هنوز زنده است حرکت میکند و وجود دارد. اکنون اجازه بفرمائید اضافه کنم که بنظر اینجانب عالیجناب در صدمقدم همه ایرانیان قرار دارند که نه تنها در طریق کوششهای من بلکه نسبت به همه دانشندان مقامات و افراد با حسن نیتی که در سرزمین افتخار آیز ایران کار کرده اند مساعدت مفرم نمایند.

اینجانب قاصراست که بخاطر آن همه لطفی که بمن و هموارانم مینول شده اظهار سپاسگزاری نماید. این کلمات شاید افرا آن آیمز بنظر آید لکن از اعطای قلب من برخاسته اند.

شاید جناب عالی استحضار دارید که اینجانب بخاطر قسمتی از کارهای

شرکت سهامی تقدیر پاشا

(۲۷)

گذشته ام علاقه خاصی به کتیبه با عظمت بیستون دارم و هنگامی که در تهران اغلاخ یافتم که يك کارخانه قند در نزد یکی آثار دارینوش در دست ساختن بود تا حدی نگران شدم در حقیقت خوشحالم هستم که بچنان عالی اطلاع دهم يك بازديد تین از محصل وساختنهای جدید بکلی نگرانی و هرگونه ناراحتی و وحشت اینجانب را برطرف نمودند. کارخانه نفتی از محل کتیبه بهیچ وجه قابل مشاهده نیست و همچنین کوچکترین نگرانی از این بابت نیست که سروجای کارخانه نفتی و سکون محوطه کارواژ در اریسر اختل نماید زیرا کارخانه در فاصله يك کیلومتری یا سافتی در این حدود در کنار بیج جاده و در دامنه کوه قرار گرفته .

اکنون که نگرانی و نوسوس اینجانب مرتفع شده ناگزیر باید گفتم که تاسف اینست کارخانه برای صد ها نفری که تاکنون زندگانی متزلزلی را در هاتی طائف خود بیستون ادامه میدادند و این عزیز زندگی بهیچوجه شایسته ایران ویا سرزمین دیگری نیست کار ایجاد میکند . صد ها و بلکه هزاران نفر از سرین تهیه مواد اولیه لازم برای کارخانه سه بزندگانی مرفهی دست خواهند یافت و این ترتیب بنابر اینجانب همه ایرانیان از اینست کارخانه بهره مند خواهند شد .

همچنین است در مورد کتیبه . اینجانب یقین دارم که بر اینجانب در کارخانه قند این شاهکار و شکوه و عظمت آن هر چه بهتر حتی بخود ایرانیان چنانکه باید شناخته خواهد شد زیرا کارخانه کارگران و کارمندان جدیدی را به روی و اطراف خود خواهد کشید و این افراد مثل همه دانشمندان و علاقمندان سراسر جهان بوجود کتیبه باستانی خود افتخار خواهند کرد .

شرکت سهامی قدکرهاشاه

(۱۴۶)

اینجانب چند پیشنهاد دارد (گرچه ارائه چنین پیشنهاداتی از من خواسته نشده است)؛ لکن بحاظ روابطی که بایران دارم ناگزیر از تقدیم این پیشنهادات میباشم در تهیه این پیشنهادات اینجانب مسائل راز از نفعه نظراقدامی که در یک مورد مشابه در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته بررسی نموده ام.

۱- پیشنهاد میشود که منطبقاً بر وضع جنوبی جاده از محل استخر زیرکشیه تا محور کارخانه بصورت یک پارسطی درآید. در حال حاضر در این منطقه ساختمانهای پخیزاز یک پاسگاه ژاندارمری یک ساختمان در حال بنا (رجوع شود به ذیل نامه) و یک امام زاده وجود ندارد.

این منطقه که متصل با استخر زیرکشیه است میتوان بصورت یک منطقه جالب و دلپذیر برای سیاحان داخلی و خارجی درآورد. در اینجا میتوان یک استراحتگاه برای صرف چای احداث نمود و ضمن آنکه سیاحان دید و سین و بازیاز کتیبه خرابه ها داشته باشند از جهت توسعه اتومبیلهای خود در خارج از جاده و معبر عمومی نیز راحت خواهند بود. در این نقطه چند درخت و چند بوته گل سرخ میتوان کرس نمود.

در هر حال نامید وارمکه در منطقه واقع بین استخر و محوطه کارخانه هیچگاه اجازه احداث کارخانه های دیگر توسعه خانه سازی ویا نمازخانه های فروشندگی داده نشود.

اگر این پیشنهاد را که منطبق بر یک پارسطی تبدیل شود نتوان از قوه به فعل درآورد پیشنهاد دیگر اینجانب آن است که عقد موافقتنامه و تعهدات محکم بین مقامات نامبرده در زیرمورد اقدام فرمائید.

الف - علاقمندان به حفظ آثار تاریخی فرهنگ و عتقرا ایران.

ب - موسسین کارخانه قدک.

ج - صاحبان اراضی.

شرکت سهامی قدرگاماناشه

(ص ۴)

اینجانب یقین دارم که هیچک از طرفین این سه دسته مستثنی نخواهند بود و امیدوار است که مراقبت نامعزبور حداقل قسمتی از پیشنهادات بالا را از قبیل تجدید قسمتی از مجموعه باغ طی و تمهید ضلعی برای توقف اتومبیلها را شامل خواهد شد . در حال حاضر جاده زیرکتابه برای عابریین پیاده‌نوازان نقطه تنگترین ضلعی توقف اتومبیلها مخاطره انگیز است . روزانه صدها نفر از کارگران باید از زیرکتابه عبور کرده و در بیستون بکارخانه بروند . بسیار غم انگیز خواهد بود که در چنین وضعی در بوسه شامه مرگ نا بهنگام یک یا چند تن از آنها باشد .

۲- پیشنهاد میشود کوشش جدانهای برای تحصیل اعتباراتی بمنظور تعمیر اساسی تجدید بنا و با انتقال دکانهای گنی و تهیه خانه‌هایی که در حال حاضر نزدیک جاده و اطراف استخر در پای کوه و زیرکتابه قرار میدهند بحمل آید . این محل را بزرگ گنه شد میتوان بصورت نقلیه زمینی درآورد .

اینجانب از ملاحظه اینکه بنای جدیدی مشروعبجاده در دست ساختن بود و در ترکیب آن به سفلیگی بنظر میرسد و مهارت دیگر رعایت اصول معماری و طراحی دقیق در آن نشد مواز مصالح ساختمانی ارزان قیمت و دست دوم برای آن استفاده شده بصورت تاحدی نگران شده و باید اضافه کنم که چنین ساختن به هیچوجه کمک به زمینی این منطقه نخواهد کرد .

۳- شاید جناب عالی بخواهید آرزید که باز دید کنندگان این کتابه باید از محل جاده خارج شده مواز چپه کوه باندین با صعود نمایند و حتی پل از تاحمین زحمت خود را در انتهای دیوار عمودی خواهند یافت که سنگ نوشته‌ها و کتابه ۲۵ متر بالا تر از این نقطه قرار گرفت است ضلع کتابه در این محل کامل نیست و هنگام بوسه زاویه و شیب تند در بعضی هستند اینجانب به هیچوجه توصیه نمینماید که در زمینی نصب شود تا باز دید کنندگان بوسه

شرکت سهامی قدکرهاشاه

(۵)

آن کتیبه را باد ست خود لمس نمایند زیرا در ایران و هر کشور دیگر بی احتیاطی نتیجه اجتناب ناپذیر چنین امری خواهد بود .
در همین جناب عالی ممکن است بدانید که کتیبه بروی قسمتی از یک تار تقریباً
بشکل معکوس ساخته شده بنا بر این :

اگر در نقدهای که اینجانب دایره کوچکی رسم نمودم یک پلکان متعرج فلزی
با یک سکوی کوچک بروی آن احداث شود باز بدگندگان میتوانند تا ارتفاع کتیبه صعود
نمایند و در هر سطحی که مایل باشند برای بازدید کتیبه قرار گیرند بدون آنکه از ناحیه
جاده مانع دید شده در همین حالت از بسیاری از بی احتیاطی های احتمالی جلوگیری
خواهد شد .

در مورد این پیشنهاد تصحیحاً هم اصرار بر همین پیشنهاد راحتی ممکن است
بیشتر انحصار داده و به یک سکوی مجبزه نرده که ممکن است با آن به نقطه (B)
کروی دیاگرام علامت گذاری شده در مقابل غار قنات نمود .

نامه اینجانب کنونی و گاهی شده یکبار دیگر از آن طلب جناب تقاضا میشود که مراتب
تهنیت و تشکر را عملاً قبول فرمائید . جناب عالی بمنتان واقعی کلمه منبع لهای برای ایران
و خارجیان هستید و با آنکه با این علاقمند هستیم و در امر فرمودید که هر چه بیشتر جدا فاصله
در راه عنایت گذشته ایران و پدید آید شکو و جلال قلمی آن در آینده سخت بخوشیم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ارادتمند

جرج . چینی . کامسرون

